

## نمونه‌هایی از شهرهای کویری

قاردانیا، شهری از سنگ

شیبام، شهری از رُس

سنگی سخت خواهد شکست، کوهستان زیر بوته‌ها نهان خواهد شد  
دشت‌های بایر سیراب خواهند شد و هم‌ی تلخی صحرا شکفته خواهد شد.<sup>۱</sup>

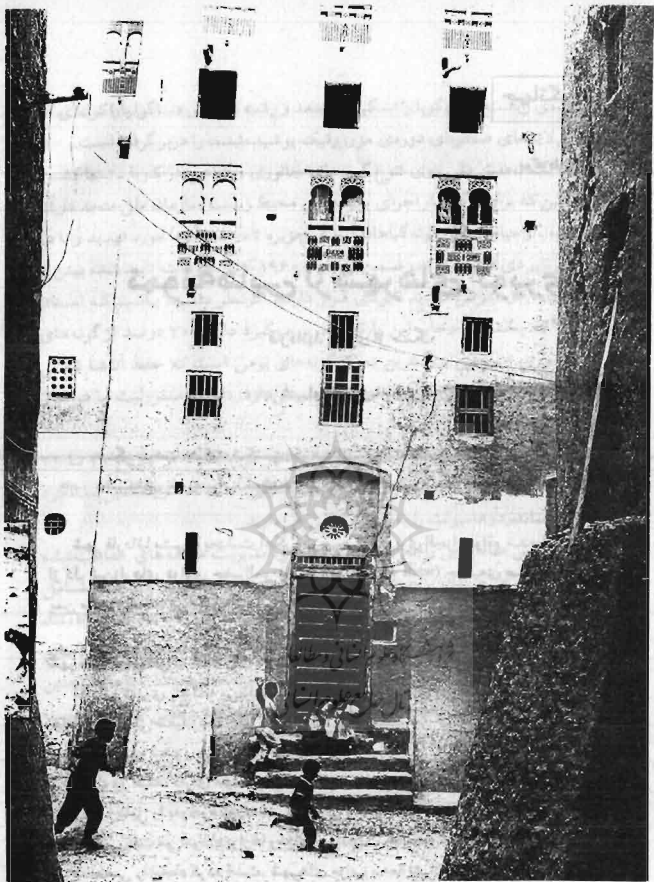
شهر قاردانیا مشرف به دشت آهکی در صحرای کویری الجزایر واقع شده است. شهر شیبام از دل شن‌زارهای «وادی حضرموت» (wadi Hadra maui) حاشیه‌ی صحرای عربستان، در یمن سرزده است. در اولین نگاه این دو شهر بسیار متفاوت از یکدیگر به نظر می‌آیند.

شهرهای دره‌ی مزاب (M'zab)

قاردانیا شهری پنج‌گانه بر بلندی‌های مشرف بر دره‌ی پریچ و خم مزاب. مجموعه‌ی خانه‌های سنگی سفیدرنگ روی پنج تپه واقع شده است. این خانه‌های سنگی دایره‌وار به سمت ارتفاع‌ها کشیده شده و هر کدام دارای مناره‌ای است.

منازل دو طبقه، دارای حیاط و تراس با کورچه‌ها و خیابان‌های باریک روی تپه‌ها، چشم‌انداز موزون و زیبایی را به وجود آورده‌اند. هارمونی و هماهنگی که در معماری این بناها وجود دارد کم‌تر جایی یافت می‌شود. دیوارها و نمای سفیدرنگ خانه‌ها، آسمان نیلگون و کویر مسی رنگ، تضاد خاصی را ایجاد کرده است. شهرهای مزاب به‌ما نشان می‌دهند که چگونه معماری می‌تواند به طبیعت پیرامونش شکل دهد بدون آن‌که آن را مثله و خراب کند.

۱. مانده‌های زمینی - آندره ژید



یکی از ساختمان‌های چندطبقه‌ی رُسی و بسیار قدیمی در شهر شیپار

## ساخت و ساز خانه‌های بلند با گل رُس

شهر شیپام که بر بستر خشک رودخانه‌ی وادی (wadi) بنا شده، شهری چهار گوشه و محصور در دیوارهای بلند است.

داخل محوطه میدان‌ها، ساختمان‌ها و مکان‌های عمومی قرار دارد و سیمای شهر بسیار منظم است. با تمام این اوصاف شکل کلی شهر به هیچ وجه یکنواخت و کسل‌کننده نیست. بناها از ساده‌ترین مصالح اولیه‌ی بومی ساخته شده‌اند، مانند خشت و یا آجرهای بزرگ که از گل و لای حاصل از سیلاب‌های فصلی درست شده‌اند. با همین مصالح ساده ساختمان‌های چند طبقه به ارتفاع ۳۰ متر بنا شده که بلندی آن‌ها، آسمان‌خراش‌های مدرن را در ذهن تداعی می‌کند در حالی که این بناها قدمت ۵۰۰ ساله دارند و فقط یک خانوار در هر کدام زندگی می‌کند.

اتاق‌های هم‌کف با دیوارهای بدون پنجره به عنوان انبار استفاده می‌شود. در طبقات بالاتر پنجره به کار رفته است. بالاترین طبقه در واقع تراسی است با دیوارهای بلند و دراپرولاسیون آن از آهک استفاده شده است.

مسجدها به لحاظ معماری مذهبی در آنجا از دیگر ساختمان‌ها بلندتر نیستند، گنبد‌های سفیدرنگ آهکی در مقابل آسمان آبی رنگ هماهنگی زیبایی ایجاد کرده است. بنابراین شهر شیپام با طرح دقیق و منظمش به گونه‌ای در صحرا قرار گرفته که گویا قالبی پرنده‌ای به شکل اسرارآمیزی توسط صحرا فراخوانده شده است.

## افزایش و کاهش جمعیت

شهرهای شیپام و قاردائیا جزئی از میراث جهانی به‌شمار می‌آیند و هر کدام با دشواری‌های مختلفی روبه‌رو هستند. قاردائیا در اثر رشد اقتصادی و صنعتی با تراکم و افزایش جمعیت و نیز افزایش ساخت و ساز مورد تهدید قرار گرفته است. ساختمان‌های جدید و نوساز کم‌کم جای ساختمان‌های قدیمی و سنتی را می‌گیرند و به‌معماری شهر صدمه وارد می‌کنند در حالی که شهر شیپام با کاهش جمعیت روبه‌رو شده است. حتا در بعضی نقاط، سکنه‌ی خود را از دست داده است. بسیاری از باغ‌ها متروکه شده و دیگر از کنترل سیل خبری نیست. سیل دیوار شهرها را در بعضی نقاط ویران کرده است و حتا چندین قصر نیز نابود شده است.

گرچه دشواری‌های این دو شهر قاردائیا و شیپام متفاوت است ولی در این نکته مشترکند: هر دو شهر مدیون تلاش و کوشش انسان‌هایی هستند که زمانی با کویر کنار آمدند، از کویر منابع مورد نیاز خود را مانند آب، زمین زراعی، مصالح ساختمانی و... دریافت و احیاء کردند که حاصل این تلاش‌ها ایجاد قدرت معنوی و اتحاد میان مردمان این مرزوبوم بود.

این دو آبادی نور امیددی هستند در دل کویری خشک؛ نه محصول حادثه و نه هدیه‌ای از

طبیعت! بلکه حاصل عشق و علاقه و استعداد و هنر مردمانی هستند که در سخت‌ترین شرایط آب و هوایی به خلق این شهرها همت گماشتند، کار این مردمان بسیار تحسین برانگیز است. تنها و تنها با مطالعه و ارزیابی تاریخ و یافتن رمز نگهداری این آبادی‌ها در سده‌های گذشته، برای پیدا کردن راه حل جهت گشودن دشواری‌های موجود، می‌توان چاره‌ای یافت، آن هم برای نسل‌های آینده.

### حیات‌بخشیدن به کویر

در سده‌ی یازده میلادی، قبیله ایبادیت (Ibadite) بنیان‌گذار دره‌های مزاب (M'zab) از سه پایتخت مهم خود، تاهرت Tahert در کوه‌های آتلس، سیگیلماسا Sigilmassa و سیدراتا Sedrata در حاشیه‌ی کویر، بیرون رانده شدند. این قبیله مجبور شد که به ناحیه‌ای دور دست و مرده کوچ کند. منطقه‌ای با سخت‌ترین شرایط اقلیمی. چگونه این سرزمین گداخته و خشک به منطقه‌ای سبز با شهرهایی موزون تبدیل شد؟ پس می‌توان اذعان داشت که کویر خشک را می‌توان به منطقه‌ای قابل سکونت تبدیل کرد.

نظم و هماهنگی این شهرها در اثر و نتیجه‌ی درک درست و کامل از تکنیک‌های ساخت و ساز و قوانین مدیریت اکوسیستم است. این کیفیت ساخت و ساز تنها در اثر پیروی و به اجرا گذاشتن قوانین بوده که سرچچی از آن‌ها موجب از بین رفتن شهرها و ساکنان آن‌ها می‌شد. در ساخت این شهرها روش واحد مشخص در نظر گرفته شد که در آن سیستم‌های معماری با محیط سازگاری داشته باشد - برای نمونه تنها مسجدی که در وسط شهر واقع و نمایانگر وحدت در اعتقاد و ایمان مردم است، دارای سالن نماز بزرگی است که گنجایش جمعیت شهر را در خود دارد. زمانی که مسجد، دیگر جوابگوی جمعیت بیش از این نباشد، مسجد دیگری باید بنا شود و پیرو آن نیز شهر جدیدی بنیان گذاشته شود. این روش نظمی را در آن سرزمین برقرار کرده که در توسعه‌ی شهرسازی در طول چندین سده حکم فرما بوده است.

وقتی جمعیت افزایش می‌یابد به جای این‌که شهر بدون نظم، توسعه و گسترش یابد، اقدام به احداث شهر جدیدی می‌شود که این شهر جدید دارای شکل و شمایل و ویژگی‌های همان شهر قدیم است. این روش باعث رشد و توسعه‌ی مناطق پست و مرتفع شده است و در حقیقت باعث محفوظ نگه داشتن دره‌هایی پوشیده از درختان نخل. درختان میوه در سایه‌ی درختان نخل رشد کرده‌اند و گیاهان و سبزیجات فراوانی زیر آن‌ها رویده است.

به خاطر نبودن آب‌های سطحی، آب از چاه استخراج می‌شود. سده‌های زیرزمینی جهت مرطوب نگه داشتن زمین و خاک احداث می‌شوند. منبع اصلی آب از سیلاب‌های رودخانه (wadi) که هر ۳ تا ۱۰ سال طغیان می‌کند تأمین می‌شود. دره‌ها به گونه‌ای سازمان‌دهی شده است که بتوانند با این سیل‌ها مقابله کنند.



دیوارها و سد هایی که در مسیر سیل ها واقع شده است آب را به زمین های زراعی هدایت می کند.

پشت کوچه های باریکی که به وسیله دیوارها محاصره شده باغ هایی است که از طریق سیلاب ها آبیاری می شوند. به این صورت که در دیوارها مجراهایی تعبیه شده است که قسمت عمده ی آب را به سوی باغ ها هدایت می کند. در عین حال پل ها و حوضچه هایی به منظور آبیاری باغ های سبزیجات و میوه ساخته شده است. آب سمبل حیات آن دیار است. آب که مایه ی زندگی و سرسبزی آن سرزمین است هم چون آرزویی نیک روی فرش ها، گلدان ها، حتا آرایش موی زنان و... نقش بسته است. در آن جا آب بین املاک تقسیم می شود و حق آب نیز به صورت موروثی است. آب خون زندگی است که خانواده و جامعه گرد آن ایجاد می شود. با تمام این تفاسیر تجربه ی قارداثیا و شیام بسیار با ارزش است. ایده ی احیای تلفیقی اکومیستم در اروپا هنوز مقوله ی جدیدی است. چند شهر مدرن را می شناسید که در حالی که از رشد سریع شهری برخوردار هستند، بتوانند این گونه از منابع آب و بازیافت فضولات محیط شان حفاظت و استفاده کنند؟

در شیام و قارداثیا کنترل توسعه ی شهری، مدیریت منابع آبی و بازیافت منابع یک امر انتخابی نیست، بلکه یک تعهد است. شاید این شهرهای کویری از این نظر از ما خیلی جلوتر باشند. پیامی که این شهرها برای ما دارند این است: ما باید به دنبال پیشرفت و توسعه های هماهنگ با طبیعت باشیم؛ نه تنها در کویر بلکه در سایر مناطق خوش آب و هوای دنیا.

منبع: World heritage, No 8, 1998